

رویکردهای متفاوت به هزینه مبادله و دلالت‌های آن برای محیط کسب و کار و اقتصاد ایران

نویسندگان:

محمود متوسلی *

علی نیکونسبتی **

مرجان آبنیکی ***

چکیده

در مقاله حاضر، نشان داده می‌شود که اقتصاد نهادی جدید، خاستگاه‌های متفاوتی دارد و کلیتی یکپارچه نیست. عدم یکپارچگی در اقتصاد نهادی جدید، در رویکرد به هزینه مبادله نیز بازتاب یافته است، به طوری که در بحث هزینه مبادله، با دو رویکرد روبرو هستیم که یکی از آنها بر بنگاه و رابط آن متمرکز است و دیگری بر ساختارهای کلان تأکید می‌کند. در مقاله حاضر، با توجه به رویکرد نورث به هزینه مبادله و تأکید وی بر اجرای قراردادهای، هزینه اجرای قرارداد به عنوان یک

motavaselim@yahoo.com

alinikoo77@yahoo.com

* استاد گروه اقتصاد اجتماعی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد اقتصاد

*** کارشناس ارشد اقتصاد

متغیر مستقل در مدل محیط کسب و کار بانکوف در نظر گرفته می‌شود. یافته‌های بررسی حاضر که با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) و به طور مقطع زمانی در بین ۱۱۵ کشور انجام شده است، نشان می‌دهند که رابطه معناداری بین هزینه اجرای قراردادهای و رشد اقتصادی کشورها وجود دارد. در حالی که مدل‌های محیط و کسب و کار با تکیه بر متغیرهای فراوان، درصدد تبیین رشد اقتصادی هستند، متغیر هزینه اجرای قراردادهای به تنهایی بسیاری از تغییرات رشد را تبیین می‌کند و از این رو، می‌توان گفت که هزینه اجرای قراردادهای، مهمترین متغیر در میان سایر متغیرهایی است که بر محیط کسب و کار تأثیر می‌گذارند. در نهایت، با توجه به اهمیت اجرای قراردادهای، وضعیت این شاخص در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد و راهکارهایی برای کاهش آن پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: اقتصاد ایران، اقتصاد نهادی جدید، رشد اقتصادی، محیط کسب و کار، هزینه مبادله

مقدمه

استفاده از کلمه نهاد، قدمتی بسیار طولانی دارد و حداقل برای اولین بار توسط گیامباتیستا ویکو^۱ (۱۷۲۵) در کتاب ساینزا نووا^۲ مورد استفاده قرار گرفت (هاجسون، ۲۰۰۶: ۱) و هر چند بر خلاف تصور عمومی، آدام اسمیت نیز به تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی واقف بود – به گونه‌ای که در کتاب ثروت ملل بیش از ۸۰ بار از واژه نهاد استفاده کرد (اسمیت، ۱۷۷۶) – با وجود این، به دلایل مختلف توجه به نهادها کم شد و به تدریج اقتصاددانان ترجیح دادند نهادها را مفروض و داده شده در نظر بگیرند (شومپتر، ۱۹۸۱: ۵۱۸). این وضعیت ادامه داشت تا اینکه شکل‌گیری اقتصاد نهادی قدیم^۳ با نوشته‌های افرادی مانند ویلن^۴ (۱۹۲۵-۱۸۶۲) کامونز^۵ (۱۹۴۵-۱۸۶۲)، میچل^۶ (۱۹۴۸-)

-
1. Giambattista Vico
 2. Scienza Nuova
 3. Old Institutional Economics
 4. Veblen
 5. Commons
 6. Mitchell

۱۸۷۶) آیرس و سایر پیروان آنها آغاز شد. اما اصطلاح اقتصاد نهادی با مقاله همیلتون^۱ مورد توجه عمومی قرار گرفت که در سال ۱۹۱۹ در کنفرانس انجمن اقتصاد امریکا ارائه شد (رائرفورد، ۲۰۰۰: ۱۷۴؛ هاجسون، ۲۰۰۰: ۳۱۷). اقتصاد نهادی به تدریج به یکی از مکاتب مهم اقتصادی تبدیل شد، ولی در فاصله میان دو جنگ جهانی رو به افول رفت.^۲ همزمان با افول اقتصاد نهادی قدیم، به تدریج اقتصاد نهادی جدید شکل گرفت. یکی از مهمترین موضوعاتی که در اقتصاد نهادی جدید مورد توجه قرار گرفت، هزینه مبادله بود، اما باید توجه داشت که همان طور که اقتصاد نهادی جدید، کلمتی یکپارچه نیست و نگرش ها و رویکردهای متفاوتی را دارا است، در بحث هزینه مبادله نیز یک رویکرد وجود ندارد.

در مقاله حاضر نشان داده می شود که اقتصاد نهادی جدید، حداقل دو منشاء متفاوت دارد و این موضوع بر مطالعه درباره هزینه مبادله نیز تأثیر گذاشته است. سپس با تمرکز بر مسأله هزینه مبادله از دیدگاه ویلیامسون و نورث، این تفاوتها آشکار می شود. در ادامه، به منظور بررسی اثر هزینه مبادله بر عملکرد اقتصادی، درباره مدل های محیط کسب و کار صحبت می شود که به منظور تبیین اثر نهادها بر رشد طراحی شده اند. به منظور اصلاح این مدل ها و بررسی اثر هزینه مبادله بر رشد، با توجه به رویکرد نورث به هزینه مبادله و تأکید وی بر اجرای قراردادهای، هزینه اجرای قرارداد به عنوان یک متغیر مستقل در مدل محیط کسب و کار یانکوف در نظر گرفته می شود. در نهایت نشان داده می شود در حالی که مدل های محیط و کسب و کار با تکیه بر متغیرهای فراوان، درصد تبیین رشد اقتصادی هستند، ولی متغیر هزینه اجرای قراردادهای به تنهایی بسیاری از تغییرات رشد را تبیین می کند. در پایان نیز درباره وضعیت ایران صحبت می شود.

اقتصاد نهادی جدید

شکل گیری اقتصاد نهادی جدید^۳، با تألیف مقاله کوز با عنوان ماهیت بنگاه در سال ۱۹۳۷ آغاز شد (کوز، ۱۹۹۸: ۷۲)، ولی تا مدت ها از این مکتب فکری، با عنوان نهادی یاد می شد و اولین بار

1. Hamilton

2. برای اطلاع از دلایل افول اقتصاد نهادی قدیم ر.ک به رائرفورد، ۲۰۰۱: ۱۸۲-۱۸۵ و ۲۰۰۰: ۲۹۸-۳۰.

3. New Institutional Economics

ویلیامسون، اصطلاح اقتصاد نهادی جدید را در سال ۱۹۷۵ مورد استفاده قرار داد (کالین، ۱۹۹۹: ۴۵۶؛ هاجسون، ۲۰۰۲: xiv؛ کوز، ۱۹۹۹b: ۱). اما آنچه به عنوان اقتصاد نهادی جدید شناخته می‌شود، نگرش‌های مختلفی را شامل می‌گردد که وجه اشتراک آنها، تأکید بر اهمیت نهادها با رویکردهای متفاوت است و به قول کوز، اقتصاد نهادی جدید، یک فکر واحد نیست (کوز، ۱۹۹۹a: ۴). آنچه که این مکتب را از اقتصاد نهادی قدیم متمایز می‌کند، همراهی آن با اقتصاد نئوکلاسیک است. بر خلاف اقتصاد نهادی قدیم، نهادگرایان جدید درصدد کنار گذاشتن اقتصاد نئوکلاسیک نیستند و بیشتر به منظور اصلاح آن عمل می‌کنند. داگلاس نورث در این باره می‌نویسد: «اقتصاد نهادی کوششی برای الحاق تئوری نهادها به علم اقتصاد است. اما بر خلاف بسیاری از اقدامات اخیر که به منظور براندازی یا جایگزینی نظریه نئوکلاسیک انجام شده، اقتصاد نهادی جدید بر اساس آن بنا گردیده است و درصدد اصلاح و گسترش نظریه نئوکلاسیک است تا آن را قادر کند که طیف وسیعی از مسائلی را درک و بررسی کند که قبلاً از آن غفلت می‌کرد» (نورث، ۲۰۰۰: ۱۹). کوز نیز نظر مشابهی در این باره دارد و معتقد است که «ما خواهان جایگزینی برای نظریه قیمت (عرضه و تقاضا) نیستیم، بلکه می‌خواهیم چیزهایی را مورد توجه قرار دهیم که آن را مفیدتر کند» (کوز، ۱۹۹۹b: ۵). اما اصلاحات مورد توجه این افراد نیز یکسان نبود که در ادامه درباره آن صحبت می‌شود.

اولین بار کوز برای اصلاح نظریه اقتصاد نئوکلاسیک تلاش کرد. وی بنگاه را مورد توجه قرار داد و سال‌ها بعد در سخنرانش هنگام دریافت جایزه نوبل، در این باره گفت: «عامل تولید دیگری یعنی مدیریت وجود داشت که کارکرد آن ایجاد هماهنگی بود. اگر سیستم قیمت‌گذاری، تمام هماهنگی‌های لازم را فراهم می‌کند؟ چرا این عامل لازم بود» (کوز، ۱۹۹۲: ۷۱۵). کوز در مقاله ماهیت بنگاه، با نگاهی انتقادی به اقتصاد نئوکلاسیک، به منظور اصلاح آن تلاش می‌کند. وی می‌نویسد: «هدف این مقاله، پر کردن خلاءای است که ظاهراً در نظریه اقتصادی میان دو فرض وجود دارد، یکی این فرض که ابزارهای مکانیسم قیمت، وظیفه تخصیص منابع را بر عهده دارند، و فرض دیگر اینکه کارآفرین هماهنگ‌کننده، تخصیص منابع را انجام می‌دهد» (کوز، ۱۹۳۷: ۳۸۹). برای این منظور، وی بنگاه را مورد توجه قرار می‌دهد که در اقتصاد نئوکلاسیک، مانند یک جعبه

سیاه با آن برخورد می‌شود و برای تحلیل بنگاه تلاش می‌کند. وی در تبیین این موضوع می‌نویسد: «ظاهراً دلیل اصلی سودآوری یک بنگاه، استفاده از مکانیزم قیمت هزینه‌بر است. واضح‌ترین هزینه "سازماندهی" تولید از طریق مکانیزم قیمت، این است که کشف کنیم قیمت‌های مرتبط کدام هستند. از طریق پیدایش متخصصانی که این اطلاعات را می‌فروشند، این هزینه‌ها ممکن است کاهش یابند، اما حذف نمی‌شوند» (همان، ۳۹۰). نگاهی دقیق‌تر به مقاله کوز نشان می‌دهد که وی در آن مقاله هیچ‌گاه از اصطلاح "هزینه مبادله" استفاده نکرد، اما موضوعی که وی در آن مقاله بیان کرد، مبنایی برای شکل‌گیری بحث گسترده هزینه مبادله شد. به اعتقاد کوز، از آنجایی که مقاله مذکور، موجب توجه به بحث هزینه مبادله در اقتصاد شد، سرآغاز اقتصاد نهادی جدید معرفی می‌شود (کوز، ۱۹۹۸: ۷۲). اعتقاد به وجود هزینه مبادله، در واقع زیر سؤال بردن یکی از فروض اساسی نئوکلاسیک است که هزینه مبادله را صفر در نظر می‌گیرد. البته شایان ذکر است که کامونز، آغازگر توجه به مبادله به عنوان واحد تحلیل بود (ویلیامسون، ۲۰۰۰: ۵۹۹).

اما تلاش دوم برای اصلاح نظریه نئوکلاسیک، از مسیر متفاوتی آغاز شد: هایک در تحلیل رفتار اقتصادی انسان و تبیین پدیده‌های گوناگون به ذهن توجه کرد و با انتشار کتاب "نظم حسی: بررسی بنیادهای روانشناسی نظری" در سال ۱۹۵۲، توجه خود را به ذهن معطوف کرد. هایک در این کتاب به بررسی عملکرد ذهن بر اساس مدل پیوندگرا می‌پردازد (آرنا و فیستر، ۲۰۰۶: ۴۴). الگویی که در حال حاضر، الگوی غالب در مطالعات درباره ذهن است و هایک از پیشگامان آن می‌باشد (استلی، ۲۰۰۲: ۱۳۰). سایمون نیز بحث عقلانیت محدود را بیان کرد که جایزه نوبل را برای وی به ارمغان آورد. سایمون در سال پایانی عمرش، در شرحی از عقلانیت محدود می‌نویسد: «عقلانیت محدود به طور خلاصه بیانگر این ایده است که انتخاب افراد فقط به وسیله برخی از اهداف کلی سازگار^۱ و خصوصیات دنیای خارجی تعیین نمی‌شود، بلکه دانشی که آنها از دنیا دارند و ندارند، توانایی یا عدم توانایی آنها در کسب این دانش در هنگام مناسب، مدیریت نتایج کنش‌های شان، توجه به مسیرهای ممکن کنش، مدیریت عدم اطمینان (شامل عدم اطمینانی که از پاسخ‌های ممکن دیگران حاصل می‌شود) و داوری میان بسیاری از خواسته‌های رقابتی شان نیز مهم است. عقلانیت،

محدود است، زیرا توانایی‌های آنها به شدت محدود می‌باشد، در نتیجه رفتار عقلایی در دنیای واقعی به میزان زیادی به وسیله "محیط درونی" ذهن افراد که شامل محتویات حافظه و فرایندهایش است و "محیط خارجی" دنیایی که در آن کنش می‌کنند و کسانی تعیین می‌گردد که بر آنها کنش انجام می‌شود» (سایمون، ۲۰۰۰: ۲۵).

مباحث کوز، هایک و سایمون نه تنها عاملی مهم در شکل‌گیری اقتصاد نهادی جدید است، بلکه موجب پیدایش حداقل دو جریان متفاوت در اقتصاد نهادی جدید شد که نظریه پردازان این دو جریان، تحلیل‌های متفاوتی درباره پدیده‌های واحد بیان می‌کنند. در بحث هزینه مبادله می‌توان این تفاوت تحلیل را به خوبی مشاهده کرد. در ادامه نشان داده می‌شود که ویلیامسون، مباحث کوز را پیگیری کرده و نورث، مباحث هایک و سایمون را مبنای کار خویش قرار داده است، در نتیجه نگاه آنها به بحث هزینه مبادله نیز متفاوت است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هزینه مبادله در دیدگاه ویلیامسون

برای درک بهتر اندیشه ویلیامسون، توجه به تعریف وی از علم اقتصاد و رویکردی راهگشا است که به اعتقاد وی، این علم باید مورد توجه قرار دهد. ویلیامسون معتقد است علم اقتصاد در سراسر قرن بیستم به عنوان یک علم انتخاب، گسترش یافته است. وی از قول لیونل رابینز^۱ نقل می‌کند که علم انتخاب نیز در دو جهت موازی تکامل یافته است که عبارت‌اند از: نظریه مصرف‌کننده و نظریه بنگاه. اقتصاددانانی که در این باره مطالعه می‌کنند، بر تغییرات قیمت نسبی و در دسترس بودن منابع تمرکز کرده و آن را به پارادایم غالب^۲ اقتصاد بدل نموده‌اند (ویلیامسون، ۲۰۰۲: ۱۷۲). ویلیامسون در ادامه می‌گوید: «اما علم انتخاب، تنها رویکرد برای مطالعه پدیده‌های پیچیده اقتصادی نیست و نمی‌توان همواره آن را سودمندترین ابزار دانست. روش مهم دیگر، چیزی است که بوکانان از آن به عنوان علم قرارداد^۳ یاد می‌کنند... قوانین بازی هر چه باشند، دیدگاه قرارداد نقش مفیدی در اجرای بازی ایفا می‌کند و من از آن با عنوان نظم خصوصی یاد می‌کنم که تلاش‌های طرفین شرکت‌کننده

1. Lionel Robbins
2. Dominant Paradigm
3. Science of Contract

در مبادله برای تنظیم انگیزه‌ها و ایجاد ساختارهای تدبیر امور را شامل می‌شود و به بهترین نحو، نیازهای مبادلاتی آنها را هماهنگ می‌کند» (همان منبع، ۱۷۲). در نهایت، ویلیامسون تقسیم‌بندی خود درباره علم اقتصاد را بیان می‌کند. این تقسیم‌بندی دو دسته عمده را شامل می‌شود که عبارت‌اند از علم انتخاب (ارتدکس) و علم قرارداد. به اعتقاد وی، علم قرارداد نیز به دو شاخه نظم عمومی (اقتصاد قانونی)^۱ و نظم خصوصی تقسیم می‌شود که نظم خصوصی نیز دو زیرشاخه دیگر را شامل می‌گردد. اولین شاخه، بیشتر تنظیم انگیزه‌ها (طراحی مکانیزم، نظریه کارگزار، ادبیات حقوق مالکیت رسمی) و شاخه دوم، تدبیر امور^۲ به‌ویژه با توجه به نظریه شرکت‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد (همان منبع، ۱۷۳-۱۷۲).

وی بحث اقتصاد هزینه مبادله را جزئی از نظم خصوصی^۳ می‌داند و معتقد است «اقتصاد هزینه مبادله، نه تنها مبادله را به عنوان واحد اساسی تحلیل تلقی می‌کند، بلکه تدبیر امور را ابزاری می‌داند که نظم را القا می‌کند و موجب می‌شود تضادها کاهش یابند و نیل به منافع متقابل^۴ تحقق یابد» (ویلیامسون، ۲۰۰۵: ۴۳). به اعتقاد ویلیامسون، اقتصاد هزینه مبادله به جای اقتصاد مرسوم که بر مبادلات ساده بازار و مکانیسم قیمت متمرکز است، مبادلات میان تعداد محدودی از افراد را مورد توجه قرار می‌دهد و بر خلاف اقتصاد مرسوم که این مباحث را در قالب بحث انحصار پیگیری می‌کند، بر تصریح مبادلات تأکید می‌نماید و از روش اثربخشی هزینه در تدبیر امور استفاده می‌کند (همان، ۴۳).

ویلیامسون در تبیین هسته پژوهشی اقتصاد مبادله با بیان فرض عقلانیت محدود و قبول آن در اقتصاد هزینه مبادله یادآور می‌شود: «اما اقتصاد هزینه مبادله، یک گام فراتر می‌نهد و خود را از این بینش متداول مبتنی بر عقلانیت محدود که عوامل انسانی را کوتاه‌بین تلقی می‌کند، مستثنی می‌سازد. در مقابل کوتاه‌بینی فرض می‌شود که عوامل انسانی، ظرفیت پیش‌نگری آینده را دارند و خطرات احتمالی قرارداد را کشف می‌کنند و اصلاحات قراردادی را بسط می‌دهند» (همان، ۴۶). وی همچنین بیان می‌کند که اقتصاد هزینه مبادله، عمل افراد به وعده‌های‌شان را می‌پذیرد و فرصت

-
1. Constitutional Economics
 2. Governance
 3. Private ordering
 4. Mutual Gain

طلبی را مربوط به شرایطی می‌داند که در آن منافع پنهانی چشمگیری وجود دارد که موجب می‌شود شخص همکاری را نقض نماید و بر این اساس تأکید می‌کند که ملاحظات استراتژیک باید در قراردادهای مورد توجه قرار گیرند (همان، ۴۶). در واقع، ویلیامسون پیدایش هزینه مبادله را به دلیل وجود همین عقلانیت محدود و فرصت‌طلبی می‌داند.

اما بنیان نظریه ویلیامسون درباره هزینه مبادله بر چند موضوع متمرکز است: اولاً، مبادلات خصوصیات مهمی دارند، دوم اینکه، ساختارهای تدبیر امور، خصوصیات متفاوتی دارند و اهداف سازمان‌ها نیز متفاوت هستند. به اعتقاد ویلیامسون، در مبادله سه بعد اهمیت دارد که عبارت‌اند از: ۱) اختصاصی بودن دارایی^۱ (که به اشکال مختلف ظاهر می‌شود - فیزیکی، انسانی، مکانی، موقوفه، نام تجاری - و معیاری برای عدم قابلیت بکارگیری مجدد^۲ است)، ۲) اختلالاتی که در مبادلات پدید می‌آید (و به عدم انطباق‌پذیری‌های بالقوه‌ای مربوط می‌شود که رخ می‌دهد، و ۳) میزان تکرار مبادلات (که به درجه کارایی و اثربخشی آثار شهرت^۳ و اعتبار در بازار و نیز به انگیزه‌هایی مربوط می‌شود که هزینه تدبیر امور داخلی تخصصی را پدید می‌آورد) (همان، ۴۷).

پس از بیان خصوصیات مبادله، ویلیامسون بحث انواع تطبیق را پیگیری می‌کند که مهمترین هدف مبادله است. وی با بیان دو نوع متفاوت تطبیق می‌نویسد: «تطبیقی که هایک از آن صحبت می‌کند، تطبیق مستقل^۴ است که در آن گروه‌های مشارکت‌کننده، به فرصت‌های بازار که با تغییر قیمت‌های نسبی هدایت می‌شوند، واکنش نشان می‌دهند، درحالی‌که تطبیق مورد نظر برنارد، تطبیق همکارانه^۵ است که از طریق اداره امور در درون بنگاه حاصل می‌شود. از آنجایی که یک سیستم اقتصادی با عملکرد بالا، ظرفیت‌های تطبیقی از هر دو نوع را نشان می‌دهد، درک و فهم و پذیرش توأمان بازار و سلسله‌مراتب مورد نیاز است (به جای دوگانگی^۶ نظام‌های اقتصادی تطبیقی میان بازارها یا سلسله‌مراتب‌ها). بنگاه برای چنین اهدافی به صورت یک تابع تولید معرفی نمی‌شود (که سازه‌ای تکنولوژیکی است)، بلکه به عنوان یک ساختار تدبیر امور (که سازه‌ای سازمانی است)

-
1. Asset Specificity
 2. Nonredeployability
 3. Reputation Effects
 4. Autonomous Adaptations
 5. Cooperative Adaptation
 6. Dichotomy

توصیف می‌گردد. بازار نیز به‌طور مشابه تعریف می‌شود. دیدگاه قرارداد، بر خلاف دیدگاه انتخاب، بسیار دقیق‌تر است» (همان، ۴۷).

اما ساختار تدبیر امور نیز سه ویژگی مهم دارد که عبارت‌اند از: (۱) شدت انگیزه^۱، (۲) کنترل‌های اجرایی (اداری) (۳) نظام حقوقی قرارداد. بازارهای نقدی (آنی)^۲ و سلسله‌مراتب با توجه به برخی ویژگی‌ها از هم متمایز می‌شوند (همان، ۴۸) وی این تمایز را در جدولی به شرح ذیل نشان می‌دهد:

جدول (۱): انواع تدبیر امور

انواع تدبیر امور			
بازار	ترکیبی (تلفیقی)	سلسله‌مراتب	ویژگی تدبیر امور
پر قدرت	متوسط (کمتر قوی)	کم‌قدرت	انگیزه‌ها
هیچ	متوسط	بسیار	پشتیبانی مدیریتی به وسیله بوروکراسی
قانونی	قرارداد به عنوان چارچوب	بنگاه به عنوان محکمه دادرسی نهایی (فیات) ^۳	نظام حقوقی قرارداد

منبع: ویلیامسون، ۲۰۰۵: ۴۹

حال با توجه به این مسائل، سؤال اصلی که کوز نیز بیان کرد، این است که کدام معاملات کجا انجام می‌شوند و چرا دقیقاً در سازگاری و ساماندهی تبعیضی قرار می‌گیرند؟ پاسخ ویلیامسون به مسائل مذکور این است که کارآمدی هر یک، تا حدی بر انتخاب طبیعی ضعیف^۴ (سیمون، ۱۹۸۳: ۶۹) متکی است که خطاهای مربوط به متناسب‌سازی و ساماندهی ناکارا را جریمه می‌کند (ویلیامسون، ۲۰۰۵: ۵۱).

ویلیامسون سه موضوع را مورد توجه قرار می‌دهد: بازارهای آنی یا نقدی (M)، شیوه‌های ترکیبی (تلفیقی) قراردادی (X)، که در آن تعهدات معتبر، معرفی و رتبه‌بندی شده است و سلسله‌مراتبی (H) که البته هر یک خصوصیات و پیامدهایی دارد که به اعتقاد ویلیامسون (۱) بازارها، برای انطباق‌های گمنام مناسب هستند، بنگاه‌ها برای هدف انطباق مقایسه‌ای مزیت دارند، و شیوه‌های ترکیبی، بین دو

1. Incentive Intensity
2. Spot Markets
3. Fiat
4. Weak-formed natural selection

شیوه بازار و بنگاه قرار می‌گیرند. (۲) با توجه به نوع مبادلات (به‌ویژه، با توجه به اختصاصی بودن دارایی‌های موجود در هر نوع مبادله) نیاز به انطباق، اشکال مختلفی به خود می‌گیرد؛ (۳) زمانی که مبادلات از بازار به سوی شیوه تلفیقی، یا سلسله‌مراتبی، حرکت می‌کند، فشار هزینه‌های عمومی بوروکراتیک افزایش می‌یابد (ویلیامسون، ۲۰۰۵: ۵۱).

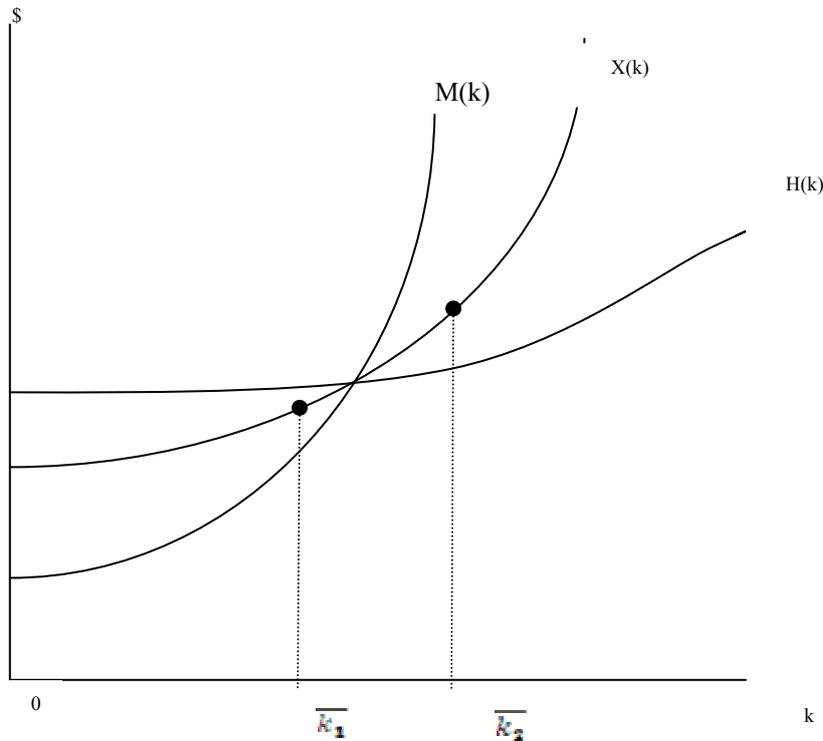
ویلیامسون در آنچه که روش ابتکاری^۱ می‌خواند، نشان می‌دهد که پیامدهای هزینه مبادله، مربوط به سازماندهی مبادلات در بازار (M) و سلسله‌مراتب‌ها (H) به عنوان تابعی از دارایی‌های اختصاصی (K) هستند. وی توضیح می‌دهد که بار هزینه‌های بوروکراتیک سلسله‌مراتب، موجب زیان اولیه (عدم مزیت) آن می‌شود که همان ($k=0$) است، اما به محض اینکه دارایی‌های اختصاصی افزایش یابد، تفاوت هزینه بین $M(k)$ و $H(k)$ ، کاهش می‌یابد و در نهایت وقتی که نیاز به تطبیق توافقی و همکارانه افزایش یابد، این نتیجه معکوس می‌گردد ($k > 0$). علاوه بر این، شیوه ترکیبی سازمان $X(k)$ ، به عنوان حالت قراردادی معتبر و حافظ بازار، ویژگی‌های تطبیقی دارد و بین بازارهای کلاسیک و سلسله‌مراتب جای گرفته است. بدین ترتیب، ویلیامسون نتیجه می‌گیرد شدت انگیزه و کنترل مدیریتی، ارزش و جایگاه میانه و مفهوم کارل لیوولین (۱۹۳۱)^۲ از قرارداد به مثابه چارچوب را شامل می‌شود. در نهایت، ویلیامسون معتقد است که به دلیل تفاوت در هزینه‌های بوروکراتیک در حالی که $H(0) > X(0) > M(0)$ ، در حالی که $M' > X' > H'$ (که بازتاب توانایی تفاضلی این سه روش در اجرای تطبیق‌های هماهنگ است، نشان می‌دهد که با رشد دارایی‌های اختصاصی، کدام یک از نیازها افزایش می‌یابند).^۳ بنابراین کمترین هزینه تدبیر امور در بازار برای $k < \bar{k}_1$ ، در شیوه تلفیق $\bar{k}_1 < k < \bar{k}_2$ و در سلسله‌مراتب $k > \bar{k}_2$ است (ویلیامسون، ۲۰۰۵: ۵۲-۵۱).

در نهایت، ویلیامسون منظور خود را در قالب شکل ذیل نشان می‌دهد:

1. Heuristic way

2. Karl Llewellyn

3. H' و X' ، M' های مربوط به هزینه‌های نهایی بازار، ترکیب و حکمرانی سلسله‌مراتبی هستند که به نسبت ویژگی دارایی تغییر می‌کنند.



شکل (۱): هزینه‌های مبادله و دارایی‌های اختصاصی

اما در ادامه بحث فوق، ویلیامسون بحث‌های فراوانی را درباره شرکت‌ها، فرایند تصمیم‌گیری در آنها و مسائل مربوط به آن بیان می‌کند. وی در مباحثه‌ای با هاجسون در این باره می‌گوید: «ما راه طولانی تا درک سازمان‌های اقتصادی پیچیده داریم. من فکر می‌کنم که مفید است رویکردهای جایگزینی داشته باشیم... تا از نگاه قدیمی به بنگاه، به عنوان ساختار تولید یا جعبه سیاه فراتر رویم. ما نیازمند بازکردن این جعبه و بررسی مکانیسم‌های درونی آن برای درک آنچه در آن جریان دارد و چرایی آن هستیم» (هاجسون، ۲۰۰۷: ۳۷۳).

به طور خلاصه، درباره دیدگاه ویلیامسون در اقتصاد هزینه مبادله باید گفت که وی بحثش را بر رد فرض عقلانیت نئوکلاسیکی و وجود کوتاه‌بینی و فرصت‌طلبی متمرکز می‌کند و معتقد است همین مسأله، هزینه مبادله را ایجاد می‌کند. به اعتقاد وی، برای کاهش هزینه مبادله، با توجه به خصوصیات مبادله از یکی از ساختارهای تدبیر امور که همان بازار یا بنگاه است یا ترکیبی از آنها استفاده می‌شود.

جوابی که ویلیامسون به سؤال هاجسون درباره راه‌های کاهش هزینه مبادله می‌دهد و ارزیابی هاجسون در این باره جالب است. هاجسون معتقد است «شما استدلال می‌کنید که یک نفر به میزان زیادی می‌تواند هزینه مبادله داخلی در یک بنگاه را ارزیابی کند و بهترین استراتژی برای بنگاه را در آن زمینه انتخاب کند» (هاجسون، ۲۰۰۷: ۳۸۰).

هزینه مبادله از دید نورث

نورث در اکثر مقالات خود، بحثش را با انتقاد از فروض نئوکلاسیک آغاز می‌کند. وی درباره هزینه مبادله^۱ نیز با انتقاد از نادیده گرفته شدن آن در اقتصاد نئوکلاسیک یادآور می‌شود این هزینه در کشورهای پیشرفته غربی، بالغ بر ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی است (نورث، ۱۹۹۱: ۲۰۳). نورث در یکی از اولین آثارش^۲، هزینه مبادله را این طور تعریف می‌کند: «هزینه مبادله، هزینه تصریح^۳ و اجرای قراردادهایی است که مبنای معامله هستند» (نورث، ۱۹۸۴: ۲۵۶). به اعتقاد وی، چهار متغیر عمده، تعیین‌کننده هزینه مبادله هستند که عبارت‌اند از: ۱) هزینه اندازه‌گیری^۴ که اندازه‌گیری ویژگی‌های ارزشمند کالاها، خدمات مورد مبادله یا اندازه‌گیری عملکرد کارگزاران را شامل می‌شود، ۲) ماهیت فرایند معامله^۵ که تعیین دقیق مفاد قرارداد و تضمین اجرای آن را شامل می‌شود، ۳) اجرا^۶ و چگونگی تضمین اجرا که در واقع، منظور وجود قوانین و دادگاه‌ها است و ۴) نگرش‌های ایدئولوژیک^۷. به اعتقاد نورث، متغیر چهارم با بقیه متغیرها متفاوت است. بر خلاف فروض نئوکلاسیک، ترجیحات و سلايق ثابت نیستند، از این رو، این متغیر نیز ثابت نمی‌باشد و به

1. نورث هزینه مبادله و هزینه معامله را به‌طور هم‌ارز به کار می‌برد.

2. نورث به دو اثرش درباره هزینه مبادله ارجاع می‌دهد: کتاب ساختار و تغییر در ساختار اقتصادی (۱۹۸۱) و مقاله نهادها، تغییر نهادها و عملکرد اقتصادی (نورث، ۱۹۹۰: ۲۷).

نورث معتقد است که کارهای وی ادامه کارهای چی اونگ است که رهیافتی متفاوت از کوز و ویلیامسون می‌باشد (نورث، ۱۹۹۰: ۲۷). اهمیت مطالعات چی یونگ به حدی است که کور نیز در هنگام دریافت جایزه نوبل به آن اشاره می‌کند.

3. Specifying
4. Cost of Measurin
5. Nature of the Exchange Process
6. Enforcemen
7. Ideological Attitude

ارزش‌های اخلاقی مربوط است (همان منبع، ۲۵۸). نورث درباره هزینه چهارم، به‌طور مفصل‌تر بحث می‌کند و در این باره می‌نویسد: «قدرت ایدئولوژی^۱ را می‌توان با مبلغ اضافه‌ای^۲ سنجید که افراد تمایل دارند به جای بهره‌گیری از سواری مجانی بپردازند. این هزینه اضافی، هزینه اعتقاد است که نه تنها با باورهای فرد درباره عادلانه بودن قواعد و ترتیبات قراردادی متناسب است، بلکه تحت تأثیر تحصیلات، تبلیغات^۳ و سمبول‌ها می‌باشد» (همان منبع). نورث سال‌ها بعد این عوامل را به دو دسته هزینه اندازه‌گیری و اجرا تقسیم کرد (نورث، ۱۹۸۴: ۳۶۱ و ۱۹۹۰: ۲۷). نورث از این متغیرها برای توزیع انواع سازمان اقتصادی و ساختار جامعه استفاده می‌کند (نورث، ۱۹۸۴: ۲۵۹-۲۵۸). همان‌طور که گفته شد، این توضیح کامل نورث درباره دلایل پیدایش هزینه مبادله، در انتقاد وی به کوز و پیروانش ریشه دارد. به اعتقاد وی «کوز و اکثر کسانی که پس از وی هزینه‌های معاملاتی را مورد بررسی قرار داده‌اند، تلاش نکرده‌اند با دقت مشخص کنند که چه چیزی معامله کردن را پرهزینه می‌کند» (نورث، ۱۹۹۰: ۲۸).

نورث معتقد است هزینه مبادله صفر، هیچ‌گاه تحقق نمی‌یابد، زیرا شرط تحققش این است که بازیکنان نه تنها باید هدف‌های معینی داشته باشند، بلکه باید از شیوه صحیح دستیابی به آن نیز مطلع باشند، امری که در دنیای واقعی رخ نمی‌دهد، زیرا بر خلاف فرض عقلانیت ابزاری، افراد بر مبنای اطلاعات ناقص و مدل‌های ذهنی نادرست عمل می‌کنند و بازخورد اطلاعات نیز برای اصلاح این مدل‌های ذهنی ناقص کافی نیست (نورث، ۱۹۹۴: ۳۶۱-۳۶۰). نورث با تکیه بر سخنان سایمون مبنی بر وجود عقلانیت ناقص و عدم ثبات ارزش‌ها، بر نقش نهادها در مبادله و فرایندهای اقتصادی تأکید می‌کند (نورث، ۲۰۰۰: ۱۹). وی در این باره می‌نویسد: «نهادها، ساختاری برای مبادله در اختیار ما می‌گذارند که (همراه با دانش فنی به کار گرفته شده) هزینه معامله و هزینه تبدیل را تعیین می‌کند. انگیزش بازیگران (تابع مطلوبیت آنها)، پیچیدگی محیط و توانایی بازیگران در رمزگشایی و سامان بخشیدن به محیط (اندازه‌گیری و اجرا) تعیین‌کننده میزان موفقیت نهادها در هماهنگ‌سازی و تولید است. نهادهایی که وجودشان برای مبادله اقتصادی ضروری است، از حیت درجه پیچیدگی

-
1. Strength of Ideology
 2. Premium
 3. Propaganda

متفاوت هستند» (نورث، ۱۹۹۰: ۳۴). در واقع، این سخن نورث، تکرار همان صحبت های قبلی - البته با تأکید بیشتر بر نهادها - است.

از سوی دیگر، نورث بحث درباره نهادها را نیز با توجه به هزینه مبادله پیگیری می کند. وی در این باره می نویسد: «نظریه من درباره نهادها، تلفیقی از نظریه ای درباره رفتار انسان و هزینه های معاملاتی است، اگر این دو را با یکدیگر تلفیق کنیم، درک اینکه چرا نهادها وجود دارند و چه نقشی در عملکرد جوامع ایفا می کنند، امکان پذیر می شود» (همان منبع، ۲۷). ظاهراً توجه نورث به تحولات تاریخی و به تبع آن، هزینه مبادله، تأثیر مهمی بر تحلیل های وی داشت. نگاهی به آثار اولیه نورث، بیانگر توجه محدود وی به نهادهاست، به طوری که در مقاله ای با عنوان "نظریه مکان و رشد اقتصادی منطقه ای" در سال ۱۹۵۵، درباره نهادها چندان صحبت نمی کند (نورث، ۱۹۵۵). از این رو، باید گفت توجه به هزینه مبادله بسیار مهم بوده است. البته نورث در سال های اخیر توجه خود را به الگوهای ذهنی و باورها متمرکز کرده و با توجه به آثار هاینک (نورث، ۱۹۹۴: ۳۶۴ و ۲۰۰۵: ۲۶) تلاش کرده است تفاوت نهادهای کشورهای مختلف و عملکرد اقتصادی را تبیین کند. این موضوع در آخرین کتاب نورث با عنوان "خشونت و نظم های اجتماعی" و مقاله مرتبط با آن "خشونت و پیدایش نظم عام" که هر دو را در سال ۲۰۰۹ منتشر کرد، به خوبی آشکار است که البته لازم است به طور جداگانه درباره آن بحث شود.

مقایسه رویکرد ویلیامسون و نورث

وجه اشتراک رویکرد ویلیامسون و نورث، توجه آنها به مسأله هزینه مبادله است، گرچه نورث به تدریج از آن فاصله گرفته است. این توجه از یک جنبه بسیار حائز اهمیت است. همان طور که گفته شد، اقتصاد نهادی جدید به دنبال اصلاح نظریه کلاسیک است، از این رو، ظاهراً بحث مبادله راحت ترین شیوه این اصلاح می باشد، زیرا انعطاف پذیر است و به واسطه آن، ضمن اصلاح نظریه نئوکلاسیک، بسیاری از جنبه های حفظ می شود (فوربوتن و ریتچر، ۲۰۰۸: ۱۶).

اما در خصوص تفاوت میان این رویکردها، نورث به دو تفاوت تحلیلش با ویلیامسون اشاره می کند، اولاً ویلیامسون فرض می کند که اجرا همواره ناقص است (زیرا در غیر این صورت، فرصت طلبی هرگز وجود نداشت). دوم اینکه، ویلیامسون از این مسأله در تحلیلش به طور صریح

استفاده نمی‌کند و نورث با کل این بحث مخالف است، زیرا تحول تاریخی را مورد توجه قرار نمی‌دهد، درحالی‌که تغییرات نهادی در اجرای قرارداد مهم هستند (نورث، ۱۹۹۰: ۵۴). همچنین نورث با توجه به نظر کوز و ویلیامسون درباره هزینه مبادله و پیدایش بنگاه معتقد است که آنها توجه خود را به سازمان به عنوان واحدی معطوف می‌کنند که هدفش حداکثر کردن ثروت یا درآمد یا سایر فرصت‌های پدید آمده توسط ساختار نهادی جامعه است، اما در جریان پیگیری این اهداف، سازمان‌ها به تدریج ساختار را تغییر می‌دهند (نورث، ۱۹۹۰: ۷۴-۷۳).

اما فراتر از اختلافی که نورث بیان می‌کند، باید گفت درحالی‌که کوز و ویلیامسون، بنگاه و روابط درون آن و در نهایت تعامل آن با بیرون را مورد توجه قرار می‌دهند، نورث تلاش می‌کند وجود هزینه مبادله را با توجه به ساختار نهادی توضیح دهد و حتی به ساختار قضایی نیز توجه می‌کند. نورث به‌ویژه در طول سال‌های اخیر با فاصله گرفتن از بحث هزینه مبادله، توجه بسیار بیشتری به ساختارها و حتی ذهن کرده است. در واقع، درحالی‌که ویلیامسون با ادامه کار کوز، بر بحث بنگاه متمرکز شده است، نورث با پیگیری ایده‌های سایمون و هایک، ساختار نهادی جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد.

هزینه مبادله و عملکرد اقتصادی

همان‌طور که گفته شد، اقتصاددانان نهادگرا از دو زاویه کاملاً متفاوت، هزینه مبادله را مورد توجه قرار می‌دهند. نخست هزینه مبادله‌ای که در داخل بنگاه و ساختار درونی آن وجود دارد و دیگری هزینه‌ای که ساختارهای کلان جامعه به بنگاه تحمیل می‌کنند. در طول سال‌های اخیر، اندیشمندان گوناگونی تأثیر نهادها بر رشد را مورد بررسی قرار داده‌اند. در میان مطالعات گوناگون، طرحی که با عنوان محیط کسب و کار شناخته می‌شود، توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب کرده است که در ادامه درباره آن صحبت می‌شود و سپس با توجه به مباحث فوق، مدل پیشنهادی ارائه می‌گردد.

ساختارهای کلان و محیط کسب و کار

در طول سال‌های اخیر، گروه کسب و کار بانک جهانی نیز با تمرکز بر ساختارهای کلان در

قالب مطالعاتی به نام مقررات کسب و کار^۱، وضعیت نهادی کشورهای مختلف و تأثیر آن بر رشد اقتصادی را بررسی کرده است که در ادامه درباره آن صحبت می‌شود.

مدل یانکوف

یکی از مشهورترین مدل‌ها در این باره، مدل یانکوف^۲ است. در مدل یانکوف، به پیروی از مدل بارو^۳ (۱۹۹۱) برای آزمون رابطه میان مقررات کسب و کار و رشد، از مدل زیر استفاده شده است:

$$\text{Growth} = \alpha + \beta \text{ business - regulations} + \gamma (\ln \text{GDPpc93}) + \delta X + \varepsilon$$

در مدل تبیین شده توسط یانکوف، X مجموعه‌ای از متغیرهای کنترل شامل:

ثبت نام در مدارس ابتدایی و دبیرستان در زمان مربوطه، مقدار مطلق انحراف از میانگین تعدیل‌کننده GDP در ابتدای دوره^۴ (سال ۱۹۹۹)، یک متغیر دودویی برای درگیری‌های داخلی، قرار دادن متغیر دامی منطقه‌ای برای سه ناحیه آفریقای پایین صحرا-آمریکای لاتین و شرق آسیا، میانگین مخارج مصرفی دولت به عنوان درصدی از GDP در بازه هشت‌ساله رشد است.^۵

Growth برابر با متوسط نرخ رشد سالانه GDP سرانه در بازه سال‌های مورد بررسی از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۶ به صورت درصدی بین ۰ تا ۱۰۰٪ است که ارقام مربوط به آن از شاخص توسعه جهانی (WDI) بانک جهانی گرفته شده است.

متغیر مستقل در این مدل، مقررات کسب و کار^۶ است که آمار مربوط به آن از اطلاعاتی به دست آمده که بانک جهانی در قالب بانک اطلاعات کسب و کار بین‌المللی^۷ در سایت مربوطه^۸ فراهم کرده است. در این بانک اطلاعاتی، موانع مقرراتی در عملکرد کسب و کار ۱۸۱ کشور و ۱۰ قلمرو اندازه‌گیری

1. Business Regulations

2. Djankov

3. Barro

4. Absolute Deviation From Average Deflator in Initial Period

5. تفاوت‌های این مدل با مدل بارو (۱۹۹۱) عبارت است از: جایگزین کردن درگیری‌های داخلی به جای ترور و انقلاب‌ها در مدل بارو، افزودن معادلی برای شرق آسیا (که در مدل بارو در ۱۹۹۶ نیز لحاظ شده است)، حذف عامل میانگین سرمایه‌گذاری به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی در طول بازه ۱۰ ساله رشد (که در مدل بارو در ۱۹۹۶ نیز به طور جداگانه بررسی شده است)

6. Business Regulations

7. Doing Business database

8. www.doingbusiness.org

می‌شود. در مدل یانکوف، رتبه‌ها پس از نرمال شدن و قرار گرفتن بین ۰ و ۱، به عنوان متغیر مستقل در مدل قرار می‌گیرند. در حال حاضر، شاخص‌های این پایگاه عبارت‌اند از: (۱) ثبت شرکت؛ (۲) اخذ مجوز از شهرداری و سایر دستگاه‌های مرتبط برای تأسیس محل فعالیت؛ (۳) استخدام و اخراج کارکنان؛ (۴) ثبت دارایی در سازمان ثبت املاک؛ (۵) اخذ تسهیلات و اعتبارات؛ (۶) حمایت از حقوق سهامداران کوچک؛ (۷) پرداخت مالیات؛ (۸) تجارت خارجی؛ (۹) اجرای قراردادهای (۱۰) و (۱۰) اعلام ورشکستگی و خاتمه دادن به کسب و کار^{۱۰}. هر کدام از این شاخص‌ها از اجزایی تشکیل شده است که رتبه کشورها در هر یک از شاخص‌ها، عبارت است از میانگین ساده رتبه‌ها در هر یک از این اجزا. برای مثال، رتبه در شاخص "شروع کسب و کار"، میانگین ساده رتبه‌های یک کشور در تعداد مراحل، مدت، هزینه و حداقل سرمایه مورد نیاز برای ثبت یک فعالیت است.

مدل ارائه شده فوق، بیانگر این موضوع است که هر چه کشورها رتبه بالاتری (بهتری) داشته باشند، مقررات کسب و کار در این کشورها سهل‌تر است. نتایج حاصل از این مدل، نشان می‌دهد که شاخص مقررات کسب و کار و رشد با هم سازگار هستند و همبستگی مثبت دارند و کشورهایی با مقررات کسب و کار سهل‌تر، رشد سریع‌تری دارند.

مدل پیشنهادی

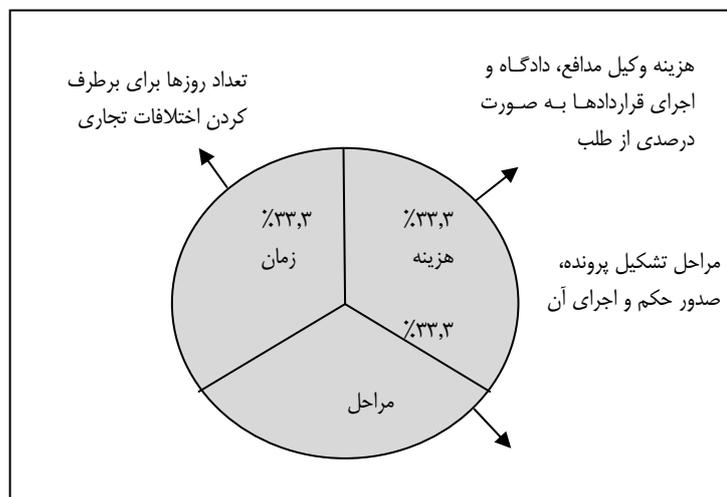
مدل یانکوف تعداد زیادی از متغیرها را شامل می‌شود که به صورت متغیرهای کنترل در مدل وارد شده‌اند. اما همان‌طور که گفته شد، نهادها اثر مهمی بر هزینه مبادله دارند و با توجه به اینکه نورث هزینه مبادله را به دو دسته هزینه اندازه‌گیری و اجرا تقسیم می‌کند، در اینجا بر هزینه اجرای قراردادها تمرکز می‌شود و به عنوان متغیری که نماینده هزینه مبادله است، وارد مدل می‌شود و

-
1. Starting a Business
 2. Dealing with Construction Permits
 3. Employing Workers
 4. Registering Property
 5. Getting Credit
 6. Protecting Investors
 7. Paying Taxes
 8. Trading Across Borders
 9. Enforcing Contracts
 10. Closing a Business

سپس نتایج آن با مدل یانکوف مورد اندازه گیری قرار می گیرد. هزینه اجرای قرارداد به عنوان یک شاخص، از سال ۲۰۰۴ در میان شاخص های این مؤسسه وجود داشته است. شاخص اجرای قراردادها، کارایی سیستم قضایی در حل و فصل اختلافات تجاری را اندازه گیری می کند (میدری و قودجانی، ۱۳۸۷: ۱۳۶-۱۳۵). زمانی که اجرای قراردادها با کارایی همراه باشد، صاحبان کسب و کار بیشتر برای برقراری ارتباط با قرض گیرندگان و مشتریان جدید تمایل دارند.

این شاخص، تعداد مراحل قانونی برای اجرای قراردادها (شامل تعداد مراحل لازم به منظور تشکیل پرونده، دادرسی و قضاوت و مراحل لازم برای اجرای حکم)، تعداد روزهایی که طول می کشد تا این مراحل قانونی انجام شوند (از زمانی که شاکی در دادگاه دادخواهی می کند، تا زمانی که وجه قابل دریافت است) و هزینه انجام این مراحل به صورت درصدی از طلب یا بدهی مورد نظر را شامل می شود. هزینه ها عبارت اند از: هزینه دادگاه (که شامل هزینه های کارشناس نیز است)، هزینه های اجرا (شامل هزینه های حراج عمومی دارایی های خریدار است) و هزینه های دستمزد وکیل مدافع. موارد فوق در ۱۸۱ کشور مورد اندازه گیری قرار می گیرند و رتبه کشورها در این شاخص با توجه به رتبه آنها در این اجزا مشخص می شود (گزارش جامع بانک جهانی، ۲۰۰۹: ۴۹).

عوامل فوق، بر اساس گزارش بانک جهانی در ساخت شاخص اجرای قراردادها، سهم مساوی را دارا هستند که در شکل ذیل نشان داده شده است.



(گزارش جامع بانک جهانی، ۲۰۰۹: ۴۹)

شکل (۲): اجزای شاخص اجرای قراردادها و سهم هر یک

در مدل یانکوف، از شاخصی تراکمی^۱ استفاده شده است که تمامی شاخص های ده گانه در پایگاه کسب و کار را شامل می شود و این شاخص به عنوان مقررات کسب و کار مطرح شد که بیانگر رتبه کشورها در این پایگاه است. البته در مقاله حاضر، برای نشان دادن این مسأله که اجرای قراردادهای تأثیر مورد نظر را بر عملکرد اقتصادی خواهد داشت، معادله رگرسیون یک بار برای کلیه شاخص های مندرج در پایگاه داده های کسب و کار و یک بار نیز برای شاخص تراکمی معرفی شده از سوی یانکوف تخمین زده می شود تا نتایج قابل مقایسه باشند.

همان طور که در ابتدا گفته شد، برای بررسی صحت فرضیه این پژوهش، از مدل یانکوف استفاده می شود که در آن به جای شاخص مقررات کسب و کار، شاخص اجرای قراردادهای^۲ مورد استفاده قرار می گیرد. برای ساختن این شاخص، ابتدا ارزش هر یک از داده های سه جزء تشکیل دهنده این شاخص (تعداد فرایندها، مدت زمانی که این فرایندها طول می کشند و هزینه انجام این مراحل که به صورت درصدی از طلب می باشد) نرمال می شود تا در بازه بین ۰ تا ۱ قرار گیرد. سپس میانگین ساده مقدار نرمال شده هر یک از این سه جزء با در نظر گرفتن وزن یکسان برای هر کشور به دست می آید و به عنوان شاخص اجرای قراردادهای مورد استفاده قرار می گیرد.

$$\text{Growth} = \alpha + \beta \text{ enforcing contract} + \gamma (\text{GDPpc99}) + \delta X + \varepsilon$$

جدول (۲): معرفی متغیرها

نماد متغیر	نام متغیر	توضیح	
Gpg	Growth	متوسط نرخ رشد سالانه GDP سرانه در بازه سال های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶ به عنوان متغیر وابسته در مدل	۱
Ec	enforcing contract	میانگین ساده مقدار نرمال شده تعداد مراحل، زمان و هزینه مورد نیاز در اجرای قراردادهای برای هر کشور در سال ۲۰۰۶ به عنوان متغیر مستقل مدل	۲
Gp99	GDPpc99	GDP سرانه در ابتدای دوره مورد بررسی (سال ۱۹۹۹)	۳
Ss99	enrollment- Secondary	میزان ثبت نام در دبیرستان در ابتدای دوره بررسی (سال ۱۹۹۹) به عنوان نماینده سرمایه انسانی	۴

1. Aggregate Index
2. Enforcing Contract

ادامه جدول (۲): معرفی متغیرها

Gc	average government consumption as percentage of GDP	متوسط مصرف دولت به صورت درصدی از GDP در بازه سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶	۵
p	Absolute deviation from average deflator in initial period	مقدار مطلق انحراف از میانگین تعدیل‌کننده GDP به منظور در نظر گرفتن تورم در ابتدای دوره (سال ۱۹۹۹)	۶

آزمون تشخیص مانایی (ایستایی) داده‌ها

مدل‌سازی اقتصادی و اقتصادسنجی، بر فرض ایستایی متغیرها استوار است. نامانایی متغیرها، باعث بروز مشکل تخمین رگرسیون کاذب می‌شود. در این گونه رگرسیون‌ها ممکن است درحالی که هیچ رابطه‌ای بین متغیرهای الگو وجود نداشته باشد، ضریب تعیین به دست آمده آن بسیار بالا باشد و باعث شود محقق به استنباط‌های غلطی درباره میزان ارتباط بین متغیرها دست یابد. از این رو، قبل از برآورد رابطه میان متغیر وابسته مدل و متغیرهای توضیحی لازم است مانایی تمامی متغیرهای مورد استفاده، در تخمین مورد آزمون قرار گیرد. آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم‌یافته^۱، فرضیه ریشه واحد را در مقابل ایستا بودن متغیر آزمون می‌کند. این آزمون برای کلیه متغیرهای درون الگو انجام شده که نتایج آن در جدول ذیل نشان داده شده است.

همان‌طور که در جدول ذیل مشاهده می‌شود، همه متغیرهای این مدل، فرضیه ناپایستگی را در سطوح ۱ و ۵ و ۱۰ درصد رد کرده‌اند و ایستا هستند.

مقادیر بحرانی مک کینون			آماره دیکی-فولر	نام متغیر
10%	5%	1%		
-2.57	-2.88	-3.48	-9.9	Ec
-2.57	-2.88	-3.48	-10.88	Gc
-2.57	-2.88	-3.48	-9.58	Gp
-2.57	-2.88	-3.48	-11.49	Gpg
-2.57	-2.88	-3.48	-11.08	P
-2.57	-2.88	-3.48	-9.63	Ss

1. Augmented Dickey – Fuller

تخمین مدل

برای تخمین مدل، از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) و به صورت مقطع زمانی بین کشورها ۱ استفاده شده است. برای مقایسه میزان اثرگذاری شاخص اجرای قراردادهای بر رشد اقتصادی، با در نظر گرفتن سایر متغیرهای تأثیرگذار بر رشد که در این پژوهش از برخی از آنها استفاده شده است، نتایج تخمین به صورت ذیل است.

Growth	متغیر وابسته متغیر مستقل
-3.4 (-1.741)	Ec
-0.14 (-4.62)	Gc
-0.000103 (-3.43)	Gp99
0.04 (4.01)	Ss99
-0.05 (-2.77)	P
4.6 (4.25)	Constant
115	تعداد مشاهدات

0.30	R ²
۲,۰۴	D.W

$$GPG = C(1) + C(2)*EC + C(3)*GC + C(4)*GP + C(5)*SS + C(6)$$

$$GPG = 4.59692067894 - 3.40498201926*EC - 0.141043277842*GC - 0.00010278598794*GP + 0.042503691458*SS - 0.0515956593638*P$$

تفسیر نتایج تخمین

همان طور که بیان شد، افزایش زمان، تعداد مراحل و هزینه‌های قانونی اجرای قراردادها و به تعبیر دیگر افزایش هزینه مبادله، تأثیر منفی بر رشد اقتصادی خواهد داشت که این امر بیانگر رابطه معکوس بین اجرای قراردادها و رشد اقتصادی خواهد بود. همان طور که در نتایج رگرسیون در جدول فوق مشاهده می‌شود، آماره t در هر دو حالت برازش انجام شده، بیانگر معنادار بودن ضریب EC در سطح معنی داری ۱۰٪ درصد است. علامت ضریب EC رابطه معکوس بین اجرای قراردادها و رشد اقتصادی را نشان می‌دهد که با توجه به مطالعات انجام شده توسط نورث و مدل تبیینی توسط یانکوف، این نتیجه قابل اتکا است. هر چه رقم این شاخص بیشتر باشد، نشان می‌دهد که پیگیری یک دعوا از طریق نظام قضایی، اولاً هزینه‌بر و مستلزم طی کردن مراحل طولانی است، دوم اینکه، فرایند به نتیجه رسیدن آن بسیار طولانی‌تر و مستلزم گذشت زمان است، سوم اینکه، احتمال به نتیجه نرسیدن پرونده‌ها زیاد است و به همین دلیل، صاحبان کسب و کار از ورود به سازوکارهای قانونی اجتناب می‌کنند. از آنجایی که دادگاه‌ها یا نظام قضایی هر کشور، نهاد اصلی در تضمین حسن اجرای قراردادها هستند، بالا بودن مقدار این شاخص، بیانگر ضعف این نهاد است. مطالعات مختلف درباره ارتباط بین رشد اقتصادی و کارایی نظام قضایی (از جمله مطالعه هاف و استیگلitz، ۲۰۰۲) نشان می‌دهد که در صورت کاهش کارایی نظام قضایی، کشورها با رشد اقتصادی کمتری مواجه خواهند بود. نتایج حاصل از تخمین مدل فوق نیز این موضوع را تأیید می‌کند.

بررسی سایر متغیرها نیز نشان می‌دهد که سطح اولیه GDP با رشد ارتباط منفی دارد. با توجه به مسأله همگرایی، این نتیجه چندان دور از انتظار نیست. الگوی سولو پیش‌بینی می‌کند که کشورها به سمت رشد متعادل همگرایی دارند و کشورهای با سطح درآمد اولیه پایین، نرخ رشد بالاتری را خواهند داشت، بامول نیز با تکیه بر آن، همگرایی را برای شانزده کشور جهان بررسی کرد و رشد تولید در دوره مورد بررسی را با درآمد اولیه مورد بررسی قرار داد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در این دوره، همگرایی کامل وجود دارد. در این مدل نیز چنین نتیجه‌ای با ضریب بسیار کوچک مشاهده می‌شود (رومر، ۱۳۸۳). سرمایه انسانی که میزان تحصیلات در دوران دبیرستان، معرف آن است، با رشد ارتباط مثبت دارد و رابطه مصارف دولت با رشد نیز منفی است که با توجه به مطالعه

بارو (رشد اقتصادی در مجموعه ای از کشورها، ۱۹۹۱) و مطالعه ایوانز (بوروکراسی و رشد: تحلیل مقطعی ملی آثار ساختارهای دولت وبری بر رشد اقتصادی، ۱۹۹۹) صحت این یافته، قابل تأیید و استناد است.

مقایسه نتایج با مدل یانکوف در دوره مورد بررسی

مرحله دوم از تخمین الگو در این مقاله، برآورد معادله یانکوف با در نظر گرفتن کلیه شاخص ها است. نکته قابل توجه این است که این برآورد، صرفاً به منظور اثبات میزان قدرت نتایج برآورد شده از معادله اول می باشد. همان طور که در مقدمه پژوهش بیان شد، در پایگاه کسب و کار، هر ساله آمارهای مربوط به شاخص های دهگانه ذیل استخراج می شود و در اختیار علاقمندان قرار می گیرد. هر کدام از این شاخص ها، خود از اجزای کوچک تری تشکیل می گردد که پس از نرمال کردن این اجزا، از آنها میانگین ساده گرفته می شود. در پژوهش حاضر، از این میانگین به عنوان معرف شاخص مقررات کسب و کار استفاده می شود.

در ابتدا مانایی متغیر مقررات کسب و کار مورد بررسی قرار می گیرد:

مقادیر بحرانی مک کینون			آماره دیکی-فولر	نام متغیر
10%	5%	1%		
-2.58	-2.88	-3.48	-10.54	Br

با توجه به جدول متغیرها که در بالا آورده شد (با این تفاوت که به جای Ec متغیر Br را خواهیم داشت که معرف مقررات کسب و کار است)، نتایج حاصل از تخمین به شرح ذیل می باشد.

Growth	متغیر وابسته متغیر مستقل
-8.5 (-1.878)	Br
-0.14 (-4.736)	Gc
-9.21E-05 (-3.578)	Gp99
0.04 (3.9)	Ss99
-0.04 (-2.33)	P
6.3 (3.36)	Constant
115	تعداد مشاهدات

0.31	R ²
۲	D.W

$$GPG = C(1) + C(2)*BR + C(3)*GP + C(4)*GC + C(5)*P + C(6)*SS$$

$$GPG = 6.31754041398 - 8.51145053806* BR - 9.21041117075e-05* GP - 0.143295822345* GC - 0.04631524785*P + 0.0412740028763*SS$$

همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، علامت متغیر اصلی مورد برازش (Br) با آنچه که در فرضیه پژوهش درباره اجرای قراردادها داشتیم، مطابقت می‌کند. سایر متغیرها نیز با آنچه که نظریات اقتصادی بیان می‌کنند، مطابقت دارد که در برازش قبلی نیز مورد بحث قرار گرفت. نکته قابل توجه این است که با وجود اضافه کردن شاخص‌های دیگر پایگاه کسب و کار به شاخص اجرای قراردادها، R² مدل در سطح اولیه خود باقی مانده است که این موضوع نشان می‌دهد ساده‌سازی اجرای قراردادها و افزایش کارایی نظام قضایی کشور، تأثیر بسیاری بر رشد اقتصادی کشورها دارد. البته ناگفته نماند که در مقاله یانکوف و همکاران (۲۰۰۶) نیز در بهترین حالت که تمامی متغیرها وارد مدل شده‌اند، R² مدل ۰,۲۶ است. اکنون با توجه به اینکه مدل فوق، اهمیت اجرای قراردادها را نشان می‌دهد، وضعیت ایران در این باره مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شاخص اجرای قراردادها در ایران و محاسبه آن

همان طور که گفته شد، برای محاسبه این شاخص، تعداد مراحل قانونی برای اجرای قراردادها، تعداد روزهایی که به طول می انجامد تا این مراحل قانونی انجام شود و هزینه انجام این مراحل به صورت درصدی از طلب یا بدهی مورد نظر مورد توجه قرار می گیرند. بانک جهانی این شاخص را در ۱۸۱ کشور اندازه گیری می کند و رتبه کشورها در این شاخص، با توجه به رتبه آنها در این اجزا مشخص می شود (گزارش جامع بانک جهانی، ۲۰۰۹: ۴۹). بر اساس این روش اندازه گیری، بانک جهانی اجزای شاخص اجرای قراردادها را به شرح جدول ذیل برای کشورها اعلام می کند.

جدول (۳): سهولت اجرای قانون در نظام قضایی ایران

شاخص	چگونگی مراحل انجام کار
۳۹	تعداد مراحل انجام کار (تعداد)
۵۲۰	زمان (روز)
۴۰	دوره افتتاح پرونده
۳۰۰	دوره قضاوت
۱۸۰	دوره ضمانت اجرا
۱۷ در صد	هزینه (به صورت درصدی از بدهی)
۱۰	هزینه وکیل مدافع
۲	هزینه دادگاه
۵	هزینه اجرای حکم

منبع: گزارش بانک جهانی در ایران، ۲۰۱۰: ۷۳

در جدول زیر، وضعیت ایران با متوسط کشورهای خاورمیانه و متوسط کشورهای OECD مقایسه شده است. وضعیت دادگاه های ایران از این حیث از متوسط کشورهای منطقه خاورمیانه بر اساس هر سه معیار بهتر است و در مقایسه با کشورهای عضو OECD، از نظر زمان تفاوت زیادی وجود دارد (بنیاد کسب و کار بین المللی).

جدول (۴): کیفیت دادگاه‌های ایران، کشورهای خاورمیانه و کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی

شاخص	ایران	منطقه	OECD
مراحل (تعداد)	۳۹	۴۳,۴	۳۰,۶
زمان (روز)	۵۲۰	۶۷۹,۹	۴۶۲,۴
هزینه (درصدی از طلب)	۱۷	۲۳,۷	۱۹,۲

(بنیاد کسب و کار بین‌المللی)

اقتصادهای قابل مقایسه با اقتصاد ایران در اجرای قراردادهای، وضعیت زیر را دارند:

جدول (۵): وضعیت اقتصادهای قابل مقایسه با ایران در اجرای قراردادهای

اقتصادهای قابل مقایسه	تعداد مراحل	مدت (روز)	هزینه (درصد از ارزش دارایی)
عراق	۵۱	۵۲۰	۲۷,۳
اردن	۳۸	۶۸۹	۳۱,۲
عمان	۵۱	۵۹۸	۱۳,۵
عربستان	۴۳	۶۳۵	۲۷,۵
امارات متحده عربی	۴۹	۵۳۷	۲۶,۲

(گزارش بانک جهانی در ایران، ۲۰۱۰: ۴۳)

ایران در شاخص مذکور از نظر تعداد مراحل، مدت زمان و هزینه انجام کار، از وضعیت بهتری نسبت به کشورهای جدول فوق به غیر از کشور اردن (در تعداد مراحل) و کشور عمان (در هزینه انجام کار) برخوردار است. رتبه ایران در شاخص اجرای قراردادهای در بازه زمانی سال ۲۰۱۰-۲۰۰۹، از ۵۴ به ۵۳ ارتقا یافته است. بدین معنا که این رتبه نسبت به مقطع مشابه سال ۲۰۰۹، با ۱ رتبه کاهش (بهبود) مواجه بوده است.

در گزارش‌های بانک جهانی، اقتصادهایی که امتیازات بالایی را در سهولت اجرای قراردادهای به خود اختصاص می‌دهند، سالانه اعلام می‌شود. این اقتصادها کارایی دادگاه‌های خود را از طریق بکارگیری مدیریت پرونده، محدودیت‌های زمانی فرایندی دقیق، دادگاه‌های تخصصی تجاری،

دادگاه‌های الکترونیکی و نیز از طریق اجرای ارزان‌تر و سریع‌تر قراردادهای انجام می‌دهند. در جدول ذیل، اقتصادهای مذکور معرفی می‌شود. هنگ‌کنگ با رتبه یک در این شاخص، در اول جدول قرار دارد و تیمور شرقی با رتبه ۱۸۱، آخرین رتبه را به خود اختصاص داده است که این موضوع، بیانگر وجود دادگاه‌های ناکارآمد در این کشور می‌باشد.

جدول (۶): اجرای قراردادهای در کدام کشورها، آسان و در کدامیک سخت است

رتبه	سخت‌ترین	رتبه	آسان‌ترین
۱۷۲	کامرون	۱	هنگ‌کنگ (چین)
۱۷۳	کنگو	۲	لوکزامبورگ
۱۷۴	سوریه	۳	ایسلند
۱۷۵	بنین	۴	لتونی
۱۷۶	هندوراس	۵	فنلاند
۱۷۷	سورینام	۶	ایالات متحده آمریکا
۱۷۸	بنگلادش	۷	نروژ
۱۷۹	آنگولا	۸	کره
۱۸۰	هند	۹	آلمان
۱۸۱	تیمور شرقی	۱۰	فرانسه

گزارش بانک جهانی، ۲۰۰۹: ۴۹

یادداشت: رتبه‌ها از متوسط رتبه هر کشور در فرایندها، زمان و هزینه رفع یک اختلاف تجاری از طریق دادگاه به دست آمده است.

اصلاحات عمومی و بهبود نظام قضایی

یافته‌های فوق نشان می‌دهند که بهبود وضعیت دادگاه‌ها، نقش بسیار مهمی در بهبود محیط کسب و کار دارد. طبق تجربه جهانی، فارغ از نوع نظام قضایی، اقدامات ذیل در ارتقای کیفیت دادگاه‌ها مفید است: افزایش کارایی عملکرد قضات؛ تأسیس دادگاه‌های الکترونیکی؛ ساده‌سازی مقررات برای پرونده‌های کوچک‌تر؛ تأسیس دادگاه‌های تخصصی و ساده‌سازی مراجعات و ایجاد رویه‌های جدید (گزارش بانک جهانی، ۲۰۰۹: ۵۱). این اصلاحات نتایج امیدوارکننده‌ای را در بسیاری از مناطق جهان پدید آورده است. به عنوان مثال، بعد از آنکه سیستم ارسال الکترونیکی اسناد در جمهوری اسلواکی راه‌اندازی شد، فاصله زمانی بین افتتاح پرونده و اولین استماع دادگاه از ۷۳ به ۲۷

روز و تعداد مراحل دادرسی از ۲۳ به ۵ مورد کاهش یافت. در ساده‌سازی رویه‌های قضایی نیز ساده سازی فرایند صدور اخطاریه، محدود کردن تعداد و زمان استیناف‌ها، ساده‌سازی قوانین مربوط به ارائه شواهد از جمله اصلاحات رایج قضایی است. الکترونیکی کردن پرونده‌ها موجب می‌شود که چند مأمور به‌طور همزمان یک پرونده را بررسی کنند و بدین ترتیب، تأخیر کاهش یابد. علاوه‌براین، سیستم خودکار اسناد، ابزار ضدفساد نیز است، زیرا امکان "پرداخت" طرفین دعوا به منظور تعیین یک قاضی خاص (برای قضاوت پرونده) را از بین می‌برد. همچنین با وجود اینکه اغلب اوقات، ارجاع پرونده‌های امور حسبی (غیراختلافی) به خارج از سیستم قضایی به قانونگذاری جدید نیاز دارد، ولی گامی مؤثر در سرعت بخشیدن به عملکرد نظام قضایی است، برای مثال، در بلغراد^۱، ۱۸ نفر از ۹۵ نفر قاضی، صرفاً رسیدگی به پرونده‌های ثبتی را بر عهده دارند. اگر این پرونده‌ها به یک دستگاه اداری واگذار شود (که در حال حاضر، موضوع یک پیش‌نویس قانونی است)، ۲۵ درصد از وقت قضات آزاد می‌شود و فرصت بیشتری برای رسیدگی به کار دعاوی خواهند داشت.

همچنین در مناطقی از آفریقا که صاحب دادگاه‌های تجاری یا بخش‌های تجاری شده بودند، میانگین زمانی حل و فصل یک مشاجره تجاری، ۱۹٪ کاهش یافت و از ۶۰۴ روز به ۴۹۲ روز رسید. البته در این نوع اصلاحات، از آنجایی که باید قضات جدید استخدام گردند و سپس تعلیم داده شوند و منابع مالی نیز تأمین گردد، دستیابی به بهبود در میانگین زمانی اجرای قراردادها چندین سال طول می‌کشد (گزارش بانک جهانی، ۲۰۰۹: ۵۲). طبق تجارب فوق، در مورد ایران نیز با توجه به روند طولانی رسیدگی به دعاوی و تعداد زیاد مراحل دعاوی، ظاهراً راه‌اندازی سیستم الکترونیکی و تشکیل دادگاه‌های مستقل تجاری می‌تواند در کاهش هزینه مبادله بسیار مفید باشد.

در نهایت، باید یادآور شد که در مقاله حاضر، صرفاً هزینه مبادله با رویکرد کلان و آن هم در محدوده مفروضات و معادلات مشخص مورد بررسی قرار گرفت و پیشنهاد می‌شود با توجه به رویکرد ویلیامسون و در سطح بنگاه‌ها نیز بحث هزینه مبادله مورد بررسی قرار گیرد و برای کاهش هزینه مبادله در درون شرکت‌ها و بنگاه‌ها نیز تدابیری اندیشه شود.

نتیجه گیری

همان‌طور که در مقاله حاضر نشان داده شد، اقتصاد نهادی جدید که پس از جنگ جهانی دوم به تدریج گسترش یافت، کلیتی یکپارچه نیست و اندیشمندان آن از زوایای مختلف پدیده‌ها را تحلیل می‌کنند. در مورد هزینه مبادله نیز این امر صادق است و دیدگاه نورث و ویلیامسون درباره هزینه مبادله، تفاوت‌های بسیار زیادی با یکدیگر دارد. به طوری که ویلیامسون بر روابط درون بنگاه تمرکز می‌کند و نورث ساختارهای کلان جامعه را مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد. در مقاله حاضر، با تأکید بر رویکرد نورث، هزینه اجرای قراردادها - که وی به عنوان یکی از عوامل مهم هزینه مبادله به آن اشاره می‌کند - به عنوان شاخصی از هزینه مبادله در نظر گرفته شد و با جایگزین کردن آن در مدل یانکوف نشان داده شد که این متغیر به خوبی می‌تواند تأثیر هزینه مبادله بر رشد اقتصادی را تبیین کند و به اندازه شاخص تراکمی که یانکوف بیان می‌کند، از قدرت بسیاری برای تبیین برخوردار است. همان‌طور که گفته شد، نتایج تخمین ناشی از بررسی ۱۱۵ کشور نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین شاخص اجرای قراردادها و رشد اقتصادی کشورها وجود دارد. بدین معنا که با افزایش اجرای قراردادها، رشد اقتصادی کشورها افزایش می‌یابد. از این رو، می‌توان گفت هزینه اجرای قراردادها، مهمترین عاملی است که بر محیط کسب و کار تأثیر می‌گذارد و اثر مهمی بر رشد اقتصادی دارد. در مورد ایران نیز با انجام اقداماتی مانند راه‌اندازی سیستم الکترونیکی و تشکیل دادگاه‌های مستقل تجاری، می‌توان هزینه مبادله را کاهش داد.

منابع

الف) فارسی

رومر، دیوید (۱۳۸۳) اقتصاد کلان پیشرفته، ترجمه دکتر مهدی تقوی، واحد علوم و تحقیقات. میدری، احمد و قودجانی، اصلان (۱۳۸۷) سنجش و بهبود محیط کسب و کار، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.

هاف، کارلا و استیگلیتز، ژوزف (۱۳۸۴) موانع برقراری حاکمیت قانون در کشورهای سوسیالیستی سابق، ترجمه زهرا کریمی.

ب) انگلیسی

- Arena, Richard, Festré, Agnès (2006) Knowledge and Beliefs in Economics: The case of the Austrian tradition, in: Knowledge, Beliefs and Economics, Edited by: Arena, Richard, Festré, Agnès, Edward Elgar.
- Barro, Robert J. (1991) Economic Growth in a Cross Section of Countries, Quarterly Journal of Economics, Vol. 106, No. 2, pp: 407-443.
- Coase, Ronald (1999a) An Interview with Ronald Coase, ISNIE Newsletter, Vol. 2, No.1.
- Coase, Ronald (1999b) The Task of the Society, Opening Address to the Annual Conference, ISNIE Newsletter, Vol. 2, No. 2.
- Coase, Ronald (1998) The New Institutional Economics, The American Economic Review Hodgson.
- Coase, R. H. (1992) The Institutional Structure of Production, American Economic Review, Vol. 82, No. 4, pp: 713-719.
- Coase, Ronald (1937) The Nature of Firm, *Economica*, New series, Vol. 4, No. 16, pp: 386-405.
- Djankov, Simeon, Caralee McLiesh, Rita Maria Ramalho, (2006) Regulation and growth, *Economics Letters* 92.
- Evans, P & Rauch J. E. (1999) Bureacracy and Growth: A Cross- National Analysis of the Effects of 'Weberian' State Structures on Economic Growth, *American Sociological Review*, Vol. 64.
- Furubotn, Eirik G & Richter, Rudolf (2008) The New Institutional Economic – A Different Approach to Economic, *Economic Affairs*.
- Hodgson, Geoffrey M. (2007) An Interview with Oliver Williamson, *Journal of Institutional Economics*, Vol. 3, No. 3.
- Hodgson, Geoffrey M. (2006) What Are Institutions? *Journal of Economic Issues* Vol. XL, No. 1.
- Hodgson, Geoffrey M. (2002) A Modern Reader in Institutional and Evolutionary Economics, Edward Elgar.
- Hodgson, Geoffrey (2000) what is The Essence of institutional Economics? *Journal of Economic Issues*, vol. XXXIV, NO. 2.
- Klein, Peter, G. (1999) New Institutional Economics, in Boudewijn and Grit De Geest, *Encyclopedia of Law and Economic*, Edward Elgar.
- North, Douglass C. (2005) Understanding the process of Economic Change, Princeton University Press.
- North. Douglaas C. (2000) The New Institutional Economics and Third World Development, Edit by J. Harriss, J. Hunter, International Ltd.
- North. Douglass C. & Denzau, Arthr, T. (1994) Shared-Mental Models: Ideologies and Institutions, *Kyklos*, Vol. 94.

- North, Douglass C. (1991) *The New Institutional Economics: A Collection of Articles From the Journal of Institutional and Theoretical Economics*, Texas A & M University Press.
- North, Douglass C. (1990) *Institutions, Institutional Change And Economic Performance (Political Economy of Institutions and Decision)*, Cambridge University Press.
- North, Douglass C. (1984) Government and the Cost of Exchange in History, *The Journal of Economic History*, Vol. 44, No. 2,
- North, Douglass C. (1955) Location Theory and Regional Economic Growth, *The Journal of Political Economy*, Vol. 63, No. 3, pp: 243-258.
- North, Douglass C.; Wallis, John Joseph W.; Eingast, Barry R. (2009a) violence and the rise of open-access orders, *Journal of Democracy* Volume 20, Number 1
- North, Douglass C. Wallis, John Joseph, W eingast. Barry R. (2009b) *Violence and Social Orders: A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History*, Cambridge University Press.
- Rizzello, Salvatore (2003) Towards a cognitive evolutionary economics, In: *Cognitive Developments in Economics*, Edited by: Salvatore Rizzello.
- Robert, J. Barro (1991) *Economic Growth in a Cross Section of Countries*, NBER Working Papers 3120, National Bureau of Economic Research, Inc, revised
- Rutherford, Macolm (2001) *Institutional Economics: Then and Now*, *The Journal of Economic Perspectives*, Vol. 15, No. 3.
- Rutherford, Malcolm (2000) Institutionalism between the Wars, *Journal of Economic Issues*, Vol. XXXIV, No. 2.
- Schumpeter, Joseph. A. (1981) *History of Economic Analysis*, Twelfth impression, Routledge.
- Simon, Herbert (2000) *Bounded Rationality in social science: Today and Tomorrow, minds & society*, Vol.1.
- Simon, Herbert (1983) *Reason in Human Affairs*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Smith, Adam (1776) *An Inquiry Into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*, edited by: Edwin Cannan.
- Steele, G. R. (2002) *Hayek's Sensory Order, Theory & Psychology*, Sage Publications, Vol. 12, No. 3.
- Williamson, Oliver (2000) *The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead*, *Journal of Economic literature*, Vol. 38, No. 2.
- Williamson, Oliver (2002) *The Theory of the Firm as Governance Structure: From Choice to Contract*, *The Journal of Economic Perspectives*, Vol. 16, No. 3, pp: 171-195.
- Williamson, Oliver (2005) *Transaction Cost Economics*, in C. Menard and M. M. Shirley (eds), *Handbook of New Institutional Economics*, Springer.
- World bank (2009) *Doing Business report*.
- World bank (2010) *Doing Business report In Iran*.
www.doingbusiness.org

